

معادل فارسی	ضرب المثل فرانسوی
نام نیک بهتر از کمر بند طلا است	Bonne renommée vaut mieux que ceinture dorée
سگ خوب به دنبال نژاد خود می رود	Bon chien chasse de race
خون خوب نمی تواند دروغ بگوید	Bon sang ne peut mentir
از میوه است که می توان درخت را شناخت	C' est au fruit qu' on connait l' arbre
مال حرام برکت ندارد	Bien mal acquis ne profite jamais
اینقدر خود شیرینی نکن	Assez de baratin
بهش نشون میدم یک من ماست چقدر کره داره	Je vais lui montre de quel boi je me chauffe
!بهش نشون میدم! ادبش میکنم	Je lui apprendrai
!وای به حالت	Gare a toi
!به تو ربطی نداره	Ca ne te regarde pas
به من ربطی نداره! (به من چه!)	6J' en ai rien a fautre
همینو کم داشتیم!	C' est le bouquet
!اوضاع رو به راهه	Ca boume
رو به راهی؟	Ca gaze
!دلم واست تنگ شده	Tu me manques
خواستن، توانستن است	vouloir, c' est pouvoir
از تو حرکت، از خدا برکت	Aide-toi, le ciel t'aidera
دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است	Mieux vaut tard que jamais
پایان شب سیاه، سپید است	Après la pluie, le beau temps
از دل برود هر آنچه از دیده برفت	Loin des yeux, loin du coeur
شاهنامه آخرش خوش است	Rira bien qui rira le dernier
عینک سواد نمی آورد	L' habit ne fait pas le moine
مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد	Chat échaudé craint l' eau froide
سکوت علامت رضاست	Qui ne dit mot consent
با یک گل بهار نمیشه	Une hirondelle ne fait pas le printemps
وقت طلاست	Le temps, c' est de l' argent
عادت طبیعت ثانوی است	L' habitude est une seconde nature

قطره قطره جمع گردد، وانگهی دریا شود	Les petits ruisseaux font les grandes rivières
مشک آنست که خود ببوید نه آنکه عطار بگوید	À bon vin point d'enseigne
جوینده، یابنده است	Qui cherche, trouve
در ورق خوش اقبال، در عشق بد اقبال	Heureux au jeu, malheureux en amour
چیزی به نام نمی‌توانم وجود ندارد	Heureux au jeu, malheureux en amour
قبل از سخن گفتن به میزان طولانی فکر کردن	Tourner sept fois sa langue dans sa bouche
یک پرنده در دست، بهتر از دو پرنده در شاخ و برگ	Un tiens vaut mieux que deux tu l'auras
آنچه برق می‌زند الزاما طلا نیست	Tout ce qui brille n'est pas or
دو پرنده را با یک سنگ شکار کردن	Faire d'une pierre deux coups
قبل از تخم گذاشتن مرغ، جوجه‌هایش را شمردن	Vendre la peau de l'ours (avant de l'avoir tué)
اسم شیطان را آوردن و بلافاصله ظاهر شدن	Vendre la peau de l'ours
تطبیق بده و نجات پیدا کن	Mieux vaut plier que rompre
جویبارهای کوچک رودخانه‌های بزرگ را می‌سازند	Les petits ruisseaux font les grandes rivières
برای شخص حرف گوش کن یک حرف کافی است	À bon entendeur, salut
به خودت کمک کن تا خدا به تو کمک کند	Aide-toi, le ciel t'aidera
افراد مختلف، عقاید مختلفی دارند	Autant de têtes, autant d'avis
انسان یعنی خطا	L'erreur est humaine
لباس رهبانیت، راهب نمی‌سازد	L'habit ne fait pas le moine
کسی که هیچ نمی‌گوید راضی است	Qui ne dit mot consent
کسی که آهسته می‌رود، مطمئن می‌رود	Qui va lentement va sûrement
صبر تلخ است ولیکن بر (میوه) شیرین دارد	Tout vient à point à qui sait attendre
تخم مرغ دزد، شتر دزد می شود	Qui vole un oeuf, vole un boeuf
فلفل نبین چه ریزه، بشکن ببین چه تیزه	L'homme ne se mesure pas à l'autre